

نقش حرمسرا در رویدادهای اجتماعی عصر عباسی

با تأکید بر نقش زبیده و شغب (۱۳۲-۳۳۴ق)

مصطفی عرب عامری^۱

چکیده

درباره نقش زنان در تاریخ اسلام اطلاعات و آگاهی ما بسیار اندک است، اما به منظور نشان دادن گوشه‌ای از نقش اجتماعی زنان در تاریخ اسلام، مطالعه نقش حرمسراهای خلفای عباسی حائز اهمیت است. حرمسرا در دوره عباسیان نقشی مهم و محوری در شکل دهی بسیاری از رویدادهای سیاسی و اجتماعی داشت. برخی از زنان حرمسرا به واسطه قدرت و نفوذی که در نتیجه دست اندازی در امور سیاسی به دست آورده بودند، از تمکن مالی بسیار مساعدی برخوردار شدند، به همین دلیل در زمینه کارهای عمرانی و عام المنفعه در جهت رفاه حال مردم مخصوصاً در مسیر راه حجاج، اقدامات مهم و موثری انجام دادند. برخی از زنان از جمله زبیده همسر هارون الرشید، به واسطه علاقه به مباحث علمی و ادبی زمینه حضور دانشمندان و شاعران را در دربار خلافت فراهم آوردند. همچنین در زمینه حضور زنان در امور اجتماعی، در عصر دوم شاهد نشستن یکی از زنان قهرمانه بر منصب قضاوت هستیم.

واژه‌های کلیدی: زنان حرمسرا، زبیده، شغب، فعالیت‌های اجتماعی، عصر اول و دوم عباسی.

۱. کارشناسی ارشد تاریخ تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران Mostafa.Arabameri@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۲۶

مقدمه

آگاهی درباره فعالیت‌های اجتماعی زنان حرم بسیار کمتر از اطلاعاتی است که درباره نقش سیاسی آن‌ها به دست رسیده است. با این حال منابع از توجه برخی از زنان حرمسرا به مسائل علمی و ادبی خبر می‌دهند. علاقه و گرایش به مسائل علمی و ادبی توسط بعضی از زنان حرم موجب شد تا برخی از دانشمندان، علماء و شعراء نزد آن‌ها جایگاه ویژه‌ای بیابند به نحوی که این افراد در قبال کارهای علمی و ادبی خود از پاداش‌های زیادی نیز برخوردار شدند. همچنین آموزش و پرورش فرزندان خلفاء از مسائل و موضوعات مهمی بود که در حرمسرای خلفاء مورد توجه واقع می‌شد. بعضی از زنان و مادران خلفاء حساسیت ویژه‌ای در تربیت فرزندان و نوادگان خود داشتند؛ از جمله این افراد ام‌مقتدر بود که اهتمام زیادی در مراقب از شیوه درست تربیت نوادگانش و مطالبی که به آنان درس داده می‌شد، داشت. به طوری که وی کتب شیخ صولی یکی از تربیت‌کنندگان فرزندش را مورد بررسی و واکاوی دقیق قرار داد و همچنین معلمانی را احضار کرد تا پسرش ابوالعباس بن مقتدر را مورد امتحان و آزمایش علمی قرار دهند. البته در عصر دوم عباسی هم زمان با کاسته شدن قدرت خلفاء و افزایش نفوذ قهرمانه‌ها، توجه به آموزش و تربیت فرزندان رو به کاستی رفت، دلیل این امر دخالت قهرمانه‌ها در امر تعلیم و تربیت فرزندان خلیفه است. قهرمانه‌ها مانع از تربیت درست فرزندان خلفاء می‌شدند و از تربیت‌کنندگان می‌خواستند آن‌ها را چون عالمان تربیت نکنند. این موضوع نشانگر این واقعیت بود که زنان دربار در این زمان خواهان خلفایی ضعیف بودند و خلیفه ضعیف مساوی سلطه بیشتر آن‌ها بود.

زنان حرمسرا همچنین به دلیل برخورداری از امکانات مادی که نتیجه دست اندازی بیت المال و نفوذ در امر حکومت بود؛ علاوه بر کارهای علمی و ادبی، در زمینه





کارهای عمرانی و عام المنفعه نیز دستی توانا داشتند. برخی از این زنان در ضمن سفرهایی که به مناطق مختلف دارالخلافه انجام می‌دادند به کارهای اصلاحی و عمرانی از جمله ایجاد بناها، حوضچه‌ها، سقاخانه‌ها و احداث و تعمیر معابر و... می‌پرداختند. از آن جمله زبیده خاتون همسر هارون الرشید است که قسمت اعظم اقدامات عمرانی و عام المنفعه خود را در سفر حج انجام داده است. در این بخش به بررسی برخی از فعالیت‌های عمرانی و عام المنفعه و نیز علمی و ادبی زنان حرم در دوره اول و دوم عباسی پرداخته خواهد شد.

زنان حرم و فعالیت‌های عمرانی و عام المنفعه

از فعالیت‌های مهم زنان در دوره مورد بحث، اقدامات و کارهای اصلاحی و عمرانی است که آن‌ها در مناطق مختلف خلافت انجام داده‌اند. بعضی از این شخصیت‌ها به دلیل برخورداری از امکانات و توان بالای مادی و معنوی، اقدامات سترگی در زمینه کارهای عمرانی و عام المنفعه انجام دادند.

نخستین فردی که منابع در این زمینه نامی از وی برده‌اند، هیلانه زنی قهرمانه در دربار منصور خلیفه است که جایگاهی بلند نزد وی داشت. او را هیلانه نامیدند چون زمانی که بر ماموری دستوری صادر می‌کرد پی در پی بر آن مأمور فریاد می‌کشید که هی الآن. وی حوض (استخر) هیلانه را در کرانه خاوری بغداد بساخت و پر آب کرد پس به او نسبت داده شد. (یاقوت حموی، ۱۴۰۵ق: ۳۲۰/۲)

از دیگر شخصیت‌های مهمی که در این زمینه اقداماتی انجام داد، خیزران همسر مهدی عباسی است. وی به دلیل نفوذ عمده در امر حکومت املاک و مستغلات زیادی را در اختیار داشت. در سال ۱۷۳ق زمانی که درگذشت ماترک وی یکصد و شصت میلیون درهم بود. (مسعودی، ۱۴۰۴ق: ۳۳۷/۳) طبیعی به نظر می‌رسد که وی به دلیل تمکن مالی‌ای که داشت دست به اقدامات عام المنفعه زده باشد به نحوی که گفته شده او



اموال خود را در کارهای خیر و صدقات انفاق کرد. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۱- ۴۳۲) با وجود این منابع شرح کاملی در مورد اقدامات او نداده‌اند و تنها به چند مورد در این زمینه اشاره کرده‌اند. یکی از اقدامات عمرانی وی در سال ۱۷۱ هجری، زمانی که به حج رفته بود انجام شد. خیزران مولد النبی، یعنی خانه‌ای را که پیامبر(ص) در آن به دنیا آمده بود و در اختیار محمد بن یوسف - برادر حجاج بن یوسف - قرار داشت خرید و در آنجا مسجدی ساخت و راه ورودی آن را از داخل کوچه‌ای قرار داد که از میان خانه محمد بن یوسف می‌گذشت و به آن «زقاق المولد» یعنی «کوچه زادگاه» گفته می‌شد. (طبری، ۱۹۶۰م: ۲/۱۵۸؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۴۵۶/۱)

همچنین وی به سال ۱۷۱ق که به حج رفت، سرای ارقم را که به «دار خیزران» معروف شد، خرید و به مسجد تبدیل کرد. (کردی، ۱۴۲۰ق: ۸۳/۳) از دیگر اقدامات وی در سفر حج، استفاده از عطر و عود در مسجدالنبی بود که این سنت از آن پس نیز ادامه یافت. (ابن ضیاء، بی تا: ۲۷۷/۱) همچنین از خیزران به عنوان نخستین کسی یاد شده که بر آرامگاه رسول خدا، پرده‌ای آویخت. (رفعت پاشا، ۱۳۴۴ق: ۴۷۶/۱) از دیگر اقدامات عمرانی و اصلاحی خیزران حفر نهری معروف به «محدود» در عراق نزدیک شهر انبار است. خیزران دستور داد تا نهر مذکور را حفر کنند و آن را ریان نام نهاد. وکیل او نهر را به چند قسمت کرد و حدود هر بخشی را معین کرد و هر قومی را به حفر یک بخش بگمارد و از این رو، آن نهر را محدود نامیدند. (یاقوت حموی، ۱۴۰۵ق: ۶۵/۴) نکته مبهمی که در این مورد وجود دارد این است که منابع هدف از ایجاد نهر مذکور را بیان نکرده‌اند و اساساً مشخص نیست این نهر آب را از کجا به کجا منتقل می‌کرده است. البته می‌توان بر مبنای حدس و گمان ایجاد این نهر را دلیلی بر کم آبی منطقه دانست. زبیده خاتون در بین شخصیت‌های دیگری که در زمینه کارهای عمرانی و عام المنفعه اقداماتی انجام داده، زبیده همسر هارون از شهرت

بیشتری برخوردار است. اقدامات اصلاحی زبیده در ضمن سفرهای زیارتی حج وی، صورت گرفته است. (نوروزی، ۱۳۸۳: ۲۵)

ورود به قصر هارون در بغداد و ازدواج با وی را می‌توان آغاز دوران رفاه، تجمل و تنعم زبیده دانست. ثروت حاصله از خراج، جزیه و... در سرزمین‌های اسلامی به بغداد فرستاده می‌شد که اسباب خوشگذرانی، رفاه و عیش و نوش درباریان را فراهم می‌کرد. شواهد نشان می‌دهد زبیده، تحت تأثیر همین جریان شروع به جمع‌آوری ثروت و مال اندوزی کرد. مقدار حقوق و مقرری زبیده از بیت المال را پنجاه هزار درهم و در روایتی پنجاه میلیون درهم ذکر کرده‌اند. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۵-۴۳۴/۱۴) هر چند ممکن است در اخبار، در مورد اموال، ثروت و مستمری زبیده افراط شده باشد، اما اصل مطلب که تنعم و رفاه مطلق دربار هادی عباسی است، نباید نادیده گرفته شود. چنان که از ثروت افسانه‌ای زبیده در اشعار و متون ادبی یاد شده است. (زرکلی، ۱۹۸۹م: ۴۲/۳) در کنار همه این مسائل، زبیده اموال و ثروت خود را صرف مصارف شخصی و تجمل نکرد؛ بلکه در کنار زندگی با شکوه خویش به جلب و جذب شاعران، ادیبان و عالمان و... و نیز به ایجاد بناهای عام المنفعه و موقوفه‌ها و... در سرزمین‌های اسلامی پرداخت.

از جمله مهم‌ترین اقدامات وی حفر چاهی به نام چاه زبیده است. این چاه در وادی عُرَنَه در حد غربی عرفات در شرق مکه و پشت منا واقع شده است که به دستور وی حفر شد. (نهروالی، ۱۴۲۵ق: ۳۳۸؛ عبد القادر طبری، ۱۴۱۶ق: ۸۳) مردم مکه این چاه را به سبب عمق زیادش که ورود بدان را ترسناک می‌کرد، با نام حبس الجن می‌شناختند. (کردی، ۱۴۲۰ق: ۴۰۶/۳) هدف از احداث آن کم‌آبی و قحطی در مکه بود که سبب نارضایی مردمان شده بود. زبیده با آگاهی از این موضوع دستور داد نهر آبی تعبیه نمایند و آب دیگر مناطق را به منطقه مکه روان کنند. احداث این چاه



هنگامی رخ داد که زبیده بر آن شد تا برای حاجیان در عرفات آب آشامیدنی فراهم نماید. از این رو، با حفر قناتی آب چشمه نعمان در وادی نعمان بین مکه و طائف را به سوی عرفات هدایت کرد. آب قنات پس از ورود به برکه‌ای در عرفات، به سوی مزدلفه و سپس چاه زبیده می‌رسید. (نهروالی، ۱۴۲۵ق: ۳۳۸-۳۴۱؛ عبدالقادر طبری، ۱۴۱۶ق: ۸۳) به نوشته منابع، این چاه با استفاده از سنگ‌هایی بسیار بزرگ ساخته شده بود و حدود ۲۳ متر عمق داشت و دسترسی به آن با ۷۳ پله ممکن بود. (کردی، ۱۴۲۰ق: ۴۰۶/۳) با توجه به این ویژگی‌ها، آن چاه باید چیزی همانند آب انبار و مخزن آب بوده باشد. فاصله چاه زبیده با منبع اصلی تأمین کننده آب آن، حدود ۳۳ کیلومتر بود. (رفعت پاشا، ۱۳۴۴ق: ۲۱۴/۱) شاید سختی و سنگلاخ بودن مسیر باعث شد تا این قنات در چاه زبیده به پایان برسد و تا مکه ادامه نیابد. (کردی، ۱۴۲۰ق: ۴۰۶/۳)

هزینه عملیات آب‌رسانی از وادی نعمان به چاه زبیده، همراه هزینه احداث چشمه‌های دیگر در حنین واقع در ۲۰ کیلومتری شرق مکه را افزون بر یک میلیون و هفتصد هزار دینار دانسته‌اند. (عبدالقادر طبری، ۱۴۱۶ق: ۸۳) آورده‌اند هنگامی که کارگزاران عملیات آب‌رسانی پس از پایان یافتن کار برای انجام محاسبات هزینه‌ها به بغداد نزد زبیده آمدند، وی با گشاده‌دستی با آن‌ها برخورد کرد و بدون توجه به دفاتر ثبت هزینه‌ها، طلب همه را پرداخت و بدهکاری‌های آن‌ها را بخشید و خلعت‌هایی نیز به آن‌ها اهدا کرد. (رفعت پاشا، ۱۳۴۴ق: ۲۱۴/۱) چاه زبیده در طول تاریخ شاهد تعمیراتی نیز بود. (عبدالقادر طبری، ۱۴۱۶ق: ۸۴-۸۳)

از سوی دیگر، برخی حفر مجدد چاه زمزم در مکه را به زبیده منسوب می‌کنند. وی در سفر حج خود در سال ۱۹۰ق، متوجه نارضایتی مردم به دلیل بی‌آبی شد و دستور حفر مجدد زمزم را داد و عمق چاه را که ظاهراً هجده ذراع بود نه ذراع^۱ دیگر افزایش داد. یعقوبی آن را نخستین اقدام در جهت افزایش طول چاه می‌داند.

اقدامات عمرانی زیبایی، در سفر حج از عراق تا حجاز بسیار فراوان بوده است. ابن جبیر در محرم سال ۵۸۰ق در ضمن سفر خود، برکه‌ها، چاه‌ها و ابنیه‌ای که به زیبایی منسوب است یا وی شخصاً دستور ساخت آنان را داده در فاصله راه بغداد تا عرفات در مکه مشاهده کرده و می‌گوید این آثار هنوز تا زمان وی مورد استفاده بوده است. (ابن جبیر، ۱۹۶۴ق: ۱۸۵-۱۵۰) برخی از روایات وجود ابنیه و آثار منسوب به زیبایی در مکه و اطراف مسجدالحرام را تأیید می‌کنند. از آن جمله، آورده‌اند در دوره حکومت معتمد قسمتی از دیوارهای شبستان غربی رواق‌های مجاور مسجدالحرام فرو ریخت که علت آن، ریزش خانه زییده دختر جعفر بن منصور عباسی بر روی سقف شبستان مسجد بود. (قره چانلو، ۱۳۸۰ش: ۱۹۰/۱)

در شهر مکه و راه‌های مجاور آن بناهای فراوانی به زیبایی منسوب است. از آن جمله، بنای قصری در حدود مکه به نام قصر بلور (قدریه، ۱۳۳۴ق: ۲۰۶) یا بنای دو منزل استراحت گاه کاروانیان در میانه راه‌های مکه به نام‌های محدث در شش کیلومتری معدن النقره است. (کحاله، ۱۳۷۹ق: ۲۸/۲) دو برکه ثعلبیه و خریمیه در مکان منازل کاروان‌های زیارتی و تجاری مکه با مساجد و قصور اطرافش نیز به زیبایی منسوب است. (همان)

درباره بنای برخی شهرها توسط زییده نیز روایاتی وجود دارد. برخی روایات بنای شهر تبریز واقع در استان آذربایجان را به تاریخ (۱۷۵ق) به زییده منسوب می‌کنند. (مستوفی، ۱۳۸۱ش: ۸۵) در باب وجه تسمیه شهر، نقل است که زییده به علت بیماری دچار تب بالایی شد که توسط یک پزشک درمان شد و به درخواست وی، شهری به نام تبریز (تب=ریز) بنا گردید. برخی این داستان را به یکی از سرداران زییده منسوب می‌دانند. (الگود، ۱۳۵۶ش: ۳۵۲)



در منطقه اران بنای ایالت ورثان^۲ نیز به زبیده منسوب شده است. در همین زمینه نقل شده ورثان نام پلی در این سرزمین بوده که وکیلان امور مالی زبیده، حصار آن منطقه را خراب کرده و به دستور زبیده آن را از نو ساختند. (بلاذری، ۱۹۸۸م: ۳۲۱) علاوه بر این موارد، بنای شهر کاشان نیز به وی منسوب است البته احتمال می‌رود، بسیاری از این شهرها توسط زبیده تجدید بنا شده باشند. (مستوفی، ۱۳۸۱ش: ۷۵)

پل‌هایی در وادی مکلس به دستور وی ساخته شده که به قناطر زبیده یا زبیدی^۳ مشهور است. اما در این که این پل‌ها به دستور او ایجاد شده یا ملکه زنوبیا (ملکه تدمر)، تردید بسیار وجود دارد. (دهخدا، ۱۳۷۷/۸: ۱۲۷۰۳/۱۳۷۷؛ نوروزی، ۱۳۸۳: ۲۹) حفر نهری به نام میمون در موصل (بلاذری، ۱۹۸۸م: ۹۸) و نیز حفر چشمه‌ای به نام عرعار از کوه‌های لبنان و جریان دادن آب آن به بیروت در سفر حج زبیده، صورت گرفت. علت این اقدام او آن بود که در سفر حج خود که از راه بیروت به مکه می‌رفت، مردم بیروت را دچار کمی آب دید و دستور داد آب سرچشمه عرعار لبنان را تا بیروت ببرند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۲۷۴/۸؛ نوروزی، ۱۳۸۳: ۲۹) همچنین پرکردن معبر نهر ابله^۳ به دجله با سنگ به دلیل گرداب‌های سهمگین و خطرناکی که داشت، به زبیده منسوب است. (ابن حوقل، ۱۹۷۹م: ۲۳۲/۱) تمامی این اقدامات چه آن‌ها که به دستور صریح زبیده، صورت گرفته چه آن‌ها که به وی منسوب است، حاکی از وجود تدبیر و سیاست زنی است که از ثروت و تنعم خود، صرفاً برای خوشگذرانی و عیاشی استفاده نکرد و مقدار فراوانی از اموالش را در راه رفاه عمومی صرف کرد. شاید همین اقدامات عمرانی بود که تاریخ از وی شهرتی عظیم به یادگار گذاشت. (نوروزی، ۱۳۸۳: ۲۹)

شعب دیگر شخصیت معروف و مشهور در این زمینه که علاقه زیادی به نیکوکاری و خیرخواهی داشت، شعب مادر مقتدر بالله بود. او در انفاق مال زیاد، در راه خیر و احسان سستی و دودلی نداشت و در نهایت بزرگی و ریاست زندگی می‌کرد. (عیسی

بک، ۱۳۷۱ش:۱۱۳) وی در حفظ مصالح و منافع حاجیان اهتمام بسیاری می‌کرد و همراه با آنان تعدادی پزشک و نوشیدنی می‌فرستاد. توجه عمده‌ای به آبادانی داشت و پول زیادی در هموار کردن راه‌ها، خرج می‌کرد. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۱۷۵/۱۱) در سال ۳۰۲ق، مقتدر عباسی همراه مادرش شغب، دستور تعمیر سقاخانه جوخی در مکه و چاه‌های پشت آن را داد و آن را وقف کرد. (محمد الفاسی، ۱۴۱۹ق: ۱-۲۸۷-۲۸۶) همچنین شغب در سال ۳۱۰ق، دستور داد همه ستون‌های کعبه با روکش طلا تزیین شود. (ابن فهد، ۱۴۰۸ق: ۳۶۸/۲) وی نیز به سال ۳۱۵ق، برکه‌هایی را در سرزمین عرفه تعمیر و بازسازی کرد. (همان، ۳۷۳) شاید مهم‌ترین اقدام شغب تأسیس بیمارستانی در بازار یحیی رصافه در دجله شرقی بوده باشد. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۱۱۵/۸؛ ابن جوزی ۱۴۱۲ق: ۱۷۸/۱۳) وی اداره آن را به طبیب معروف سنان بن ثابت- طبیب مقتدر- سپرد. (تنوخی ۱۳۷۵ق: ۳۵۴/۲؛ عیسی بک، ۱۳۷۱ش: ۱۱۳) او پزشکان دیگری را نیز استخدام کرد که مخارج آن در هر ماه ششصد هزار دینار (ابن کثیر، ۱۳۹۸ق: ۱۲۸/۱۱؛ ابن جوزی ۱۴۱۲ق: ۱۷۸/۱۳)، و به قولی در هفت سال هفت هزار دینار بود. (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۲۵/۲۳) شغب ماکت دهکده یا شهرکی از طلا و نقره برای خلیفه ساخت که یکی از عجایب آن دوره به شمار می‌رفت؛ زیرا برای ساخت آن حدود دویست هزار درهم هزینه کرد. (احمدوند و امیری، ۱۳۹۰: ۱۴۲) وی به خاطر جایگاه اجتماعی‌اش، علاقه زیادی به مال و ثروت داشت وی زمین‌های زیادی در واسط^۶، شیب اسفل و جنبل^۵، اهواز، هرمزجرد^۷ و رودمستان^۸- از کوه‌های بهقباد^۹ اسفل را در اقطاع داشت. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق: ۵۸/۱۴؛ تنوخی ۱۳۷۵ق: ۴۵/۲) که درآمد آن‌ها سالیانه هزاران دینار بود. (همان: ۴۵؛ ابن کثیر، ۱۳۹۸ق: ۱۷۰/۱۱) دارایی و ثروت او بالاتر از حد شمارش بود. درآمد زمین‌های زراعی در هر سال، هزار هزار بالاتر می‌رفت و فزونی می‌گرفت، و بیشتر آن را می‌بخشید یا صدقه می‌داد.



(ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۳۲۱/۱۳) قدرت مالی شغب، تا حدود زیادی مبتنی بر املاک کشاورزیش بود که بیشتر آن را به عنوان هدیه دریافت کرد. این قدرت به او اجازه می‌داد شبکه‌ای از افراد زیردست و مطیع داشته باشد. (El chi, 2005: 10؛ احمدوند و امیری، ۱۳۹۰: ۱۴۳)

زنان حرم و کارهای علمی و ادبی

بعضی از زنان حرم به دلیل علاقه و گرایش به مباحث علمی و ادبی گاه محافلی با این موضوعات با حضور افراد و اشخاص اهل فن تدارک می‌دیدند. توجه و علاقه زنان حرم به این مسائل سبب می‌شد که علماء، شعراء و دانشمندان در محضر زنان حرمسرا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شوند. افراد و شعرا زیادی در این زمان حضور داشتند که با مدح خاندان حکومتی اعم از خلفاء، زنان و فرزندان آنها، مورد تشویق قرار گرفته و صله و جوایز زیادی دریافت می‌کردند.

مشهورترین فردی که در این دوره در زمینه کارهای علمی و ادبی اقداماتی انجام داد، باید از زبیده خاتون نام برد. وی در بغداد مرکز خلافت عباسی رشد و تربیت یافت و به همین دلیل از جریان‌های علمی و فرهنگی و ادبی آن روزگار بی‌تأثیر نبود. حیات وی همزمان با دوران طلایی حکومت عباسی بود که شهرت و شکوه، جلال و ثروت، علم و ادب آن نام آور بود. زبیده مشغول فراگیری علم قرائت، کتابت، حفظ شعر و اخبار و سیر شد و در شعر و ادبیات چنان غرق شد که به روایتی دیوارهای اتاقش را با اشعار می‌آراست. (قدریه، ۱۳۳۴ق: ۱۹۸) ظاهراً زبیده، خود نیز سروده‌هایی داشته است. توجه و علاقه او به شعر سبب شد که شعرا در محضر او جایگاه ویژه‌ای برای خود بیابند. در تاریخ نمونه‌های فراوان از مجالست زبیده با شاعران و اعطای جایزه و صله به آنان وجود دارد. از جمله این نمونه‌ها، جایزه زبیده به مروان بن ابی حفصه به دلیل تولد امین یا به خاطر تبریک ولایتعهدی او در مکه است. زبیده به



سبب این مدح دستور داد دهان شاعر مذکور را از مروارید پرکن‌اند. (ابن عبدربه، ۱۹۸۶م: ۱/۲۶۶؛ ابن خلکان، ۱۹۴۸م: ۲/۳۱۵-۳۱۴) شاعر دیگر نیز ابو العتاهیه بود که به دلیل اشعاری که در مدح امین سروده مورد لطف زبیده قرار گرفت. (همان: ۳۱۶) و بیست هزار درهم جایزه دریافت کرد. در مورد مشابه زبیده پاداشی به مروان بن ابی حفصه به دلیل مدحی که در هنگام ولایتعهدی امین انجام داده بود، اعطا کرد. (همان: ۳۵۱)

از دیگر شعرا که مورد توجه زبیده، قرار گرفت، داود بن رزین بود که با ذکر اشعاری رابطه تیره هارون و زبیده را بهبود بخشید و صد هزار درهم جایزه گرفت. (ابن خلکان، ۱۹۴۸م: ۳۱۶-۳۱۵) ابو السری شاعر سجستانی نیز جایگاه ویژه‌ای نزد زبیده داشته است. (همان: ۵/۲۲۱) مشهورترین شاعر دربار زبیده، ابوالعتاهیه است. وی ندیم و همراه محافل و مجالس ادبی زبیده بود که در کاخ برگزار می‌شد. مواجب و مقرری که زبیده سالیانه به وی پرداخت می‌کرد صد هزار درهم بود. وی که سال‌ها جیره خوار زبیده بود زمانی که مواجیش از دربار زبیده به علت غفلت کارکنان، قطع شد سریع این مسئله را در قالب شعر به بانو یادآوری کرد و مورد محبت وی قرار گرفت و صلهاش را دریافت کرد. (کحاله، ۱۳۷۹ق: ۲/۲۴-۲۳) جایگاه ابوالعتاهیه نزد زبیده بس والا بود به طوری که زمانی که از سوی قاسم بن رشید مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت، وی را هجو کرد و به دلیل آن هجو، صد ضربه شلاق خورد و در زندان محبوس شد. آن گاه از زندان اشعاری برای زبیده فرستاد این موضوع زبیده را تحت تأثیر قرار داد و درباره او با هارون صحبت کرد. سفارش زبیده درباره ابوالعتاهیه اثر کرد و هارون وی را آزاد کرد و جایزه داد و مقرب درگاه خود ساخت و تا زمانی که قاسم، فرزندش از ابوالعتاهیه عذرخواهی نکرد از قاسم راضی نشد. (همان) این مسئله علاوه بر نفوذ زبیده بر هارون نشانگر جایگاه مهم شاعران در دربار عباسیان است.



درباره محاورات ادبی زبیده و ابوالعتاهیه نقل شده که زبیده از وی خواست تا او را هم سطح و هم شأن هارون مدح کند. ابوالعتاهیه شعری سرود و زبیده که خود، دستی در شعر داشت شاعر را مورد خطاب قرار داد که این شعر را قبلاً درباره مهدی عباسی و هارون سروده ای شعری دیگر بسرائی، ابوالعتاهیه ابیاتی چند سرود و صد هزار درهم جایزه دریافت کرد. (همان)

داستان‌های دیگری نیز درباره مرآوده زبیده با شاعران نقل شده است. در همین زمینه ارتباط زبیده با عباس بن اخنس مورد توجه قرار می‌گیرد. وی حتی با کسانی که در شعرشان به نیکی از زبیده یاد نکرده‌اند، رفتار توأم با تسامح داشت. در این رابطه نقل شده که روزی شاعری ابیاتی درباره شخصیت زبیده سرود و دیگران احساس کردند که آن شاعر قصد اهانت به زبیده را دارد و تصمیم گرفتند او را مجازات کنند، اما بانو با درایت تمام آن‌ها را از کارشان بازداشت و توضیح داد که آن شاعر منظوری جز خیر و نیکی نداشت و اشتباه کرد و او در نزدش محبوب‌تر از کسی است که قصد و نیت سوء داشته باشد. آن گاه به شاعر جایزه داد، این رفتار زبیده مورد توجه حضار مجلس واقع شد و وی را مدح و تعریف کرده و در دورانیشی و دقت، وی را هم طراز جدش عباس بن عبدالمطلب، معرفی کردند. (مرزبانی، ۱۳۸۵ق: ۳۳۶-۳۱۶)

ظاهراً زبیده، خود نیز استعداد سرودن شعر داشت. مرثیه‌ای که او در هنگام مرگ امین سرود یکی از بهترین سروده‌های وی محسوب می‌شود. در این شعر وی مأمون را خطاب قرار می‌دهد و احوال خود و امین مقارن فتح بغداد و غمش به دلیل مرگ امین را بیان می‌کند. (مسعودی، ۱۴۰۴ق: ۳/۳۱۵) البته روایتی هم در این زمینه هست که زبیده از ابوالعتاهیه خواست تا در رثای امین شعری بسراید. (ابن خلکان،

۱۹۴۸م: ۲/۳۱۵-۳۱۴)



در کنار دنیای شعر و شاعری از زبیده، گفتارها و وصایای جالب و خواندنی در تاریخ بر جای مانده است. گفتار نصیحت آمیز وی به امین که هنگام غم و اندوهش به علت مرگ کنیزش نظم بیان شده، عقل و درایت زبیده را نشان می دهد. (مسعودی، ۱۴۰۴ق: ۳۹۳/۳) زبیده، علاوه بر توجه به شعر و ادب به علم و دانش هم علاقه داشت. در این زمینه نقل شده است که در محضر زبیده، علما و دانشمندان و فقهاء مورد توجه بوده اند. از جمله این دانشمندان امام شافعی است که از کمک مالی زبیده، همسر هارون الرشید برخوردار بوده است. از دیگر علما و دانشمندان که مورد توجه و لطف زبیده بوده اند، جبرائیل بن بختیشوع، طبیب دربار عباسیان است که با نظر زبیده از بیت المال، پنجاه هزار درهم حقوق می گرفته است. (قفطی، ۱۳۷۴ش: ۱۹۸)

اصمعی، دانشمند علم لغت و ادب نیز در نزد زبیده عزیز و محترم بود و بانو گاهی درباره معانی لغات و واژگان از وی سؤال می کرد. (ابن خلکان، ۱۹۴۸م: ۳۱۵/۲-۳۱۴) قاضی ابویوسف، فقیه دربار هارون نیز یکی دیگر از دانشمندانی بود که با زبیده هم نشینی داشت و گاهی فتواهایی درباره مشکلات و سؤالات فقهی زبیده ارائه می کرد جوایزی گرانبها دریافت می کرد. (قزوینی، ۱۳۸۹ق: ۳۱۷/۱؛ نوروزی، ۱۳۸۳ش: ۲۲) در کنار تمام این نشست های علمی و ادبی، زبیده خود، در قصرش کنیزانی تربیت کرد که قاری و حافظ قرآن بودند. جلسات حفظ و قرائت قرآن در محضر او برگزار می شد و نویسندگان و مورخان، زمزمه کنیزان زبیده که قرآن را تلاوت می کردند را به صدای زنبورها تشبیه کرده اند. تعداد این کنیزان صد نفر ذکر شده که هر کدام جزئی از قرآن را حفظ بودند، یا به روایتی هر روز یک ساعت همراه با کنیزان قرآن می خواند، یا در قصر وی هر شب یک جزء قرآن ختم می شد. (ابن کثیر، ۱۳۹۸ق: ۲۷۱/۱۰؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۲۴۱/۱۰)



از دیگر مسائل مورد توجه در حرمرسرای خلفاء اهتمام به آموزش و تربیت فرزندان و نوادگان خلیفه بود. در این زمینه اخبار و اطلاعاتی در مورد توجه شغب، مادر مقتدر بالله به مبحث آموزش و تربیت فرزندان در منابع آمده است. نفوذ وی بر پسرش تنها محدود به امر خلافت نمی شد بلکه مراقب شیوه تربیت نوادگانش و مطالبی که به آنان درس داده می شد نیز بود. برای مثال وی روزی به یکی از خدمه هایش گفت: کتاب هایی را که شیخ صولی به فرزندانش تدریس می کند، بیاورد. وقتی کتب را برای او آوردند، پس از بررسی و آگاهی از محتویاتش، آن ها را تأیید کرد و شایسته تدریس دانست. (صولی، ۱۴۰۳: ۸-۶) با این وجود شغب با این کار قانع نشد و ابن الجوالیقی و حسین بن اسماعیل خاملی را احضار کرد تا ابو العباس بن مقتدر را آزمایش و امتحان کنند. این دو با امتحان ابو العباس و بحث با او علم و دانش وی را مورد تأیید قرار دادند. (همان)

این موضوع در این زمان که مصادف با دوران ضعف خلفای عباسی است با نفوذ قهرمانه ها تحت تأثیر قرار گرفته و با گذر زمان کم رنگ شد. قهرمانه ها به واسطه نفوذ زائد الوصفی که در امر سیاست داشتند، مانع از تربیت درست خلیفه زادگان نیز می شدند. چنانچه قهرمانه زیدان مانع تربیت درست فرزندان خلیفه می شد و از تربیت کنندگان می خواست تا در تربیت آن ها قصور کرده و آن ها را چون عالمان تربیت نکنند. وی حتی با درخواست قاضی حسین بن اسماعیل محابیلی یکی از تربیت کنندگان ابو العباس بن مقتدر مبنی بر پاداش و تکریم از شیخ صولی نیز مخالفت کرد. این موضوع نشانگر این واقعیت است که زنان دربار خواهان خلفای ضعیف بودند؛ زیرا خلیفه ضعیف مساوی سلطه بیشتر آنان بود و هر چه او ضعیف تر می بود، سلطه آن ها بیشتر می شد؛ و اگر همچون عالمان تربیت می شد، سلطه و نفوذ آنان به خطر

می‌افتاد. بنابراین از تربیت کنندگان و مودبان می‌خواهند تا آن‌ها را همچون پدرانشان تربیت کنند تا منافعشان محفوظ و نفوذشان ادامه یابد.

زنان و قضاوت

یکی از مناصب مهم حکومتی، منصب قضاوت است. در دوره عباسیان در مقایسه با دوره‌های قبل، منصب قضاوت اهمیت بیشتری یافت و همواره قاضی در کنار خلیفه جای داشته و از مشاوران نزدیک وی به شمار می‌آمد. در دوره خلافت مقتدر بالله به دلیل عدم تسلط خلیفه بر امور حکومتی شاهد به انحطاط کشیده شدن منصب قضاوت هستیم؛ چنانکه این منصب کارکرد و کارایی گذشته خود را از دست می‌دهد و زنان دربار و قهرمانه‌ها امور اجرایی منصب قضاوت را در اختیار خود می‌گیرند.

از میان شخصیت‌های این دوره، اطلاعاتی در مورد مداخله شغب در امور قضایی در منابع موجود است. در سال ۲۹۸ ق، وی نقش زیادی در انتصاب محمد بن عبدالله ابن ابی الشوارب به منصب قضا داشت. بعد از نشستن بر کرسی قضاوت در بغداد، کارهای او از حد زشتی هم فراتر رفت و مردم او را سرزنش می‌کردند. (العیون و الحدائق، ۱۳۹۲ق: ۲۳۱-۲۳۲) با این همه شغب از وزیر ابن فرات خواست با کمک این قاضی، بر مردم سخت بگیرد. (وکیع، ۱۳۶۶ق: ۳/۲۹۳) در سال ۳۰۶ ق، شغب به قهرمانه اش شمال دستور داد هر روز جمعه در رصافه به قضاوت بپردازد. (طبری، ۱۹۶۰م: ۶۷/۱۱) و به شکایت مردم از حاکمان و کارگزاران، رسیدگی کند. (مسعودی، بی تا: ۳۲۸-۳۲۹؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۱۲۹/۱۱؛ ابن جوزی ۱۴۱۲ق: ۱۸۱/۱۳) قاضیان فقها و اعیان به او مراجعه می‌کردند و برای آن‌ها قضاوت می‌کرد. (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۲۶/۲۳) ولی مردم قضاوت زن را قبول نداشتند، و کار شغب را در واگذاری امر قضاوت به او زشت می‌دانستند و از او ایراد می‌گرفتند. (طبری، ۱۹۶۰م: ۶۷/۱۱) مخصوصاً زمانی که، شمال در ابتدای کارش نتوانست این مأموریت را به خوبی انجام





دهد، شغب مجبور شد قاضی ابی الحسن بن اشنانی را به کمک او بفرستد. (ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۸ق: ۲۹/۴)

قهرمانه ثمال به شکایت ها رسیدگی و آن ها را ثبت می کرد. (طبری، ۱۹۶۰م: ۶۷/۱۱) افراد ستمدیده به حقشان رسیدند و مردم آرامش یافتند و از روی کار آمدن او که در ابتدا احساس نفرت کرده بودند، خوشحال شدند. قاضیان و فقها نیز در مجالس او حاضر می شدند. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۱۸۱/۱۳) این چنین بود که یکی از قهرمانه های دربار خلافت، منصب حساس قضاوت را به دست گرفت و نخستین قاضی مسلمان زن شد.

به نظر می رسد، دخالت شغب در امر خلافت، ریشه در منافع او داشت. او افرادی را بر این مسند می نشاند که تجربه چندانی در امر قضاوت نداشتند؛ ولی آنان خواسته های مخالف شرع و دین او را به راحتی اجابت می کردند. منفعت طلبی و مال دوستی شغب به جایی رسید که از قاضیان می خواست اموال و املاک اوقافی را آزاد کنند تا به راحتی مالک آن ها شود و اگر با او مخالفت می کردند آن ها را عزل می کرد. علاوه بر این شغب در بعضی اوقات به قاضیان دستور می داد؛ اقداماتی خاص را در پیش گیرند، اگرچه مخالف با شرع و دین باشد. مانند آنچه به قاضی احمد بن اسحاق بن بهلول دستور داد. او از قاضی خواست تا وقفی را حلال کند تا بتواند آن را به دست آورد و خرج کند. (ابن کثیر، ۱۳۹۸ق: ۱۶۵/۱۱؛ ابن جوزی ۱۴۱۲ق: ۲۹۵/۱۳-۲۹۴) اما قاضی نه تنها مخالفت کرد و از تهدیدش نترسید بلکه گفت «این اموال مسلمین است، و من هیچگاه آن را از وقف خارج نمی کنم.» شغب وی را عزل کرد و کس دیگری را به جای او نشاند. (تنوخی، ۱۳۹۱ق: ۲۴۲/۱)

نتیجه‌گیری

بررسی نقش حرمسرا در تاریخ خلافت عباسی گویای این موضوع است که برخی از زنان حرمسرا، بدلیل برخورداری از جایگاه مناسب سیاسی که نتیجه اعمال نفوذ بر خلفاء بود، از تمکن مالی بسیار خوبی برخوردار شده بودند. این عامل به زنان مخصوصاً آن‌هایی که در دوران طلایی حکومت عباسی زندگی می‌کردند مثل خیزران و زبیده خاتون، این امکان را داده بود که بتوانند در کارهای عمرانی و عام المنفعه اقداماتی در جهت رفاه حال مردم انجام دهند. برخی از آنان در ضمن سفرهایی که به مناطق مختلف دارالخلافه انجام دادند به کارهای اصلاحی و عمرانی از جمله ایجاد بناها، حوضچه‌ها، سقاخانه‌ها و احداث و تعمیر معابر و... پرداختند که این اقدام به میزان زیادی مشروعیت و مقبولیت آنان را در نزد مردم افزایش داد. همچنین علاقه به مسائل علمی و ادبی برخی از زنان حرم زمینه ساز حضور بسیاری از علماء و شعراء را به دربار خلافت فراهم کرد، به نحوی که این افراد در قبال فعالیت‌های علمی خود از جوایز و امکانات زیادی نیز برخوردار شدند. با توجه به این مسائل برای برخی از زنان صاحب نفوذ این دوران علاوه بر اعمال نفوذ مستقیم و غیر مستقیم در امور سیاسی، در رویدادهای اجتماعی اعم از فعالیت‌های علمی، ادبی و عمرانی و همچنین دخالت در امور قضاوت نیز می‌توان سهم مهمی قائل شد.

پی‌نوشت

۱. ذراع واحد اندازه‌گیری طول بود و به اندازه ساعد، یعنی از بندگاه ساعد تا نوک انگشت میانه است. بنابر مقیاس‌های جدید، هر ذراع برابر ۴۶ تا ۵۴ سانتی متر است. (فیروز آبادی، ۱۳۰۸ش: ۳۰۲/۱).
۲. ورثان: شهری در انتهای مرزهای آذربایجان؛ و فاصله‌اش تا وادی الرس دو فرسخ و فاصله ورثان تا بیلقان هفت فرسخ است. (یاقوت حموی، ۱۴۰۵ق: ۳۷۰/۲)



۳. ولایتی است در بصره ابله در دو طرف دجله واقع بوده است. (قزوینی، ۱۳۸۹ش:

۲۸۶)

۴. شهری است میانه کوفه و بصره؛ در طرف غربی دجله. (همان: ۴۷۸).

۵. کوره‌ای بین واسط و کوفه. (یاقوت حموی، ۱۴۰۵ق: ۱۶۸/۲).

۶. ناحیه‌ای در اطراف عراق که مسلمانان آن را در جریان فتوحات خویش مورد حمله قرار دادند. (ابن خردادبه، ۱۸۸۹ق: ۸).

۷. کوره استان بهقباد اسفل دارای پنج طسوج است: طسوج فرات بادقلی، طسوج سیلحین، طسوج نستری، طسوج رودمستان، طسوج هرمزجرد؛ گفته‌اند که رودمستان و هرمزجرد ضیاعی متفرقه از چند طسوج را در بر می‌گیرند. (همان)

۸. بهقبادات نام سه پارچه آبادی در بغداد بود. این آبادی‌ها منسوب است به قباد پسر فیروز، پدر انوشیروان، بهقباد، نام سه ناحیه است در بغداد که از فرات مشروب می‌شود، بهقباد اعلی که شش طسوج است و بهقباد اوسط چهار طسوج و بهقباد اسفل پنج طسوج. (یاقوت حموی، ۱۴۰۵ق: ۲۱۷-۶۶۳).

منابع

ابن اثیر، عز الدین (۱۳۸۵ ق). *الکامل فی التاریخ*، ج ۱، ۸ و ۱۱، بیروت: دارالصادر- دار البیت.

ابن جبیر، ابوالحسین محمد بن احمد (۱۹۶۴ م)، *رحله*، بیروت: دار صادر.

ابن جوزی، ابو الفرج (۱۴۱۲ق). *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، تصحیح محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۱۱ و ۱۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن حوقل (۱۹۷۹م). *صوره الارض*، ج ۱، لبنان: منشورات دار مکتبه الحیاه.

ابن خردادبه (۱۸۸۹م). *مسالك و ممالک*، ج ۸، بیروت: دار صادر.



ابن خلکان، شمس‌الدین احمد (۱۹۴۸-۱۹۴۹ م). وفيات الاعيان و انباء ابناء الزمان، ج ۲، تصحيح محمد محى الدين عبدالحميد، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.

ابن ضياء، محمد بن احمد (بی تا). تاريخ مکه المشرفه و المسجد الحرام و المدينه الشريفه و القبر الشريف، ج ۱، بيروت: دار الكتب العلميه، منشورات محمد على بيضون.

ابن عبد ربّه، شهاب الدين احمد (۱۹۸۶ م). العقد الفريد، ج ۱، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.

ابن عماد حنبلى (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸ م). شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، ج ۴، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر.

احمدوند، عباس، اميرى، زهرا (۱۳۹۰). «حيات سياسى و اجتماعى ام المقتدر»، فصلنامه علمى-پژوهشى تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامى، شماره زمستان.

الكردى، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). تاريخ القويم، ج ۳، به كوشش ابن دهيش، بيروت: دار خضر.

الگود، سيريل (۱۳۵۶ ش). تاريخ پزشكى ايران و سرزمين‌هاى خلافت شرقى، ترجمه باهر فرقانى، تهران: اميركبير.

بلاذرى، احمد بن يحيى (۱۹۸۸ م). فتوح البلدان، بيروت: دار مكتبه الهلال.

تنوخى، ابو على محسن (۱۳۷۵ ق). الفرج بعد الشده، ج ۲، بغداد: مكتبه المثنى.

_____ (۱۳۹۱-۱۳۹۳ ق). نشوار المحاضره و اخبار المذاكره، ج ۱، بيروت: دار خضر.

حسين، قدریه (۱۳۳۴ق) شهرات النساء فى العالم الاسلامى، مصر: المكتبه المصريه.

خطيب بغدادى، ابوبكر (۱۴۱۷ق). تاريخ بغداد، بيروت: دار الكتب العلميه.



- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ ش). لغت نامه، ج ۸، تهران: دانشگاه تهران.
- ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۳ق/۱۹۹۲م). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، ج ۱۰ و ۲۳، تحقیق عمر عبدالاسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی.
- رفعت پاشا، ابراهیم (۱۳۴۴ق). مرآة الحرمین، ج ۱، قم: المطبعة العلمیه.
- زرکلی، خیر الدین (۱۹۸۹م). الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال و الانساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، ج ۳، بیروت: دارالعلم للملایین.
- صولی، ابوبکر محمد بن یحیی (۱۴۰۳ق). اخبار راضی بالله و متقی بالله، عنی به نشر هج. هیورث. دن، بیروت.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۰م). تاریخ الرسل و الملوک، ج ۲ و ۱۱، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر: دارالمعارف.
- طبری، علی عبدالقادر (۱۴۱۶ق). الارج المسکی فی التاریخ المکی، به کوشش الجمال، مکه: المكتبة التجارية.
- سنجاری، علی بن تاج الدین (۱۴۱۹ق). منائح الکریم، ج ۳، به کوشش المصری، مکه: جامعه ام القرى.
- ابن فهد، عمر بن محمد (۱۴۰۸ق). اتحاف الوری، به کوشش عبدالکریم، مکه: جامعه ام القرى.
- عیسی بک، احمد (۱۳۷۱ش) تاریخ بیمارستانها در اسلام، ترجمه نورالله کسایبی، بی جا: موسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- العیون و الحدائق فی اخبار الحقائق (۱۳۹۲ق). تحقیق نبیله عبد المنعم داود، نجف الاشرف، مطبعة النعمان.



فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۳۰۸ش). قاموس المحيط، شرح محمد بن یحیی بن محمد شفیع قزوینی، ج ۱، تهران: بی نا.

قره چانلو، حسین (۱۳۸۰ش). جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ج ۱، تهران: سمت.

قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۸۹ش). آثار البلاد و اخبار العباد، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.

قفطی، جمال الدین ابی الحسن علی بن یوسف (۱۳۴۷ش). تاریخ الحکماء، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کحاله، عمر رضا (۱۳۷۹ق). اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، ج ۲، بیروت: موسسه الرساله.

محمد بن احمد النهروالی (۱۴۲۵ق). الاعلام باعلام بیت الله الحرام، به کوشش علی محمد، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیه.

محمد الفاسی (۱۴۱۹ق). العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، به کوشش محمد عبدالقادر بیروت: دار الکتب العلمیه.

مرزبانی، ابی عبیدالله محمد بن عمران (۱۳۸۵ق). الموشح فی مأخذ العلماء و الشعراء، قاهره: مطبعه السلفیه.

مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱ش). نزهة القلوب، محقق محمد دبیر سیاقی، تهران: حدیث امروز.

مسعودی، ابوالحسن (بی تا). التنبيه و الاشراف، تصیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دارالصاوی.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۴۰۴ق). مروج الذهب و معادن الجوهر، ج ۳، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت: دار المعرفه.

نوروزی، زهرا (۱۳۸۳). «حیات سیاسی اجتماعی زبیده خاتون»، فصلنامه تاریخ اسلام
دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، شماره پاییز.

وکیع، محمد بن خلف (۱۳۶۶ق). اخبار القضاة، تحقیق عبدالعزیز مصطفی المراحی،
قاهره: مطبعه السعاده.

یاقوت حموی، شهاب الدین ابی عبدالله یاقوب بن عبدالله (۱۴۰۵ق). معجم البلدان،
ج ۲ و ۴، کویت: جامعه الكویت.

یعقوبی، احمد بن یعقوب (بی تا). تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.

El chi, the abbasid Harems **Journal of middle East Womens
Studies.**



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی